

اندیشه امنیتى امير كبير

مؤلف: دكتور سيد اصغر مير جعفرى

www.ketab.ir

سرشناسه: میرجعفری، سیداصغر ۱۳۴۰

عنوان و نام پدیدآور: اندیشه امنیتی امیر کبیر/ مؤلف دکتر سیداصغر میرجعفری

مشخصات نشر: تهران: انتشارات دیده‌بان، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۱۲۹ ص

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۲۵] - ۱۲۹.

موضوع: امیر کبیر، تقی، ۱۲۲۰ - ۱۲۶۸ ق.

موضوع: امنیت ملی - ایران National Security - Iran

موضوع: امنیت ملی - ایران - تاریخ - قرن ۱۳ ق. National Security - Iran - History - 19th century

موضوع: ایران - تاریخ - قاجاریان - ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. Iran - History - Qajars, 1779 - 1925

شناسه افزوده: دانشگاه صنعتی مالک اشتر. پژوهشکده امنیت دفاعی

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۳۸۵ رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۴۵ شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۶۱۱۳۵



انتشارات دیده‌بان

❖ عنوان کتاب: اندیشه امنیتی امیر کبیر

❖ مؤلف: دکتر سیداصغر میرجعفری

❖ صفحه‌آرا و ویراستار ادبی: حسن افغانی

❖ طرح روی جلد: مجید نیکپور

❖ چاپ و صحافی: چاپخانه باقری

❖ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

❖ نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹

❖ قیمت: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

این کتاب با همکاری و مشارکت پژوهشکده امنیت‌دفاعی دانشگاه صنعتی مالک اشتر چاپ و منتشر گردیده است.

شابک: ۹ - ۶ - ۹۶۷۹۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ISBN:

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران، انتشارات دیده‌بان، تلفن: ۲۲۹۷۰۱۶۴

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۹.....	فصل اول: پیرامون امنیت
۱۳.....	ارکان امنیت
۱۵.....	بازیگران محیط امنیتی
۱۶.....	ویژگی‌های امنیت
۱۷.....	ابعاد امنیت
۲۲.....	سطوح امنیت
۲۸.....	رهیافت در مطالعات امنیتی
۳۳.....	فصل دوم: رتبه‌های (امنیت در آستانه‌ی صدارت امیر)
۳۴.....	پیمان و ستفالیان
۳۸.....	همسایگان قدرتمند
۴۷.....	خلافت از نفس افتاده
۴۹.....	شورش‌های داخلی
۵۲.....	مشروعیت و کارآمدی
۵۶.....	پیامدهای امنیتی معاهدات
۵۹.....	فصل سوم: امنیت؛ در اندیشه و عمل امیر شیر
۶۱.....	مفهوم امنیت
۶۴.....	ابعاد امنیت
۶۶.....	سطوح امنیت
۶۸.....	مراجع امنیت
۹۶.....	غایت امنیت
۱۰۱.....	تهدیدات امنیتی
۱۰۳.....	آسیب‌پذیری‌های امنیتی
۱۰۹.....	شیوه‌ها و ابزارهای تولید امنیت
۱۱۳.....	تامین‌کنندگان امنیت

فصل چهارم: خطاهای امنیت‌ی امیرکبیر	۱۱۹
الگوی نامعقول سلطنت	۱۲۰
مار در آستین	۱۲۰
غفلت از قدرت مردم	۱۲۱
نارقیان قافله	۱۲۲
منابع	۱۲۵

www.ketab.ir

مقدمه

خاستگاه تمامی مکتب امنیتی مطرح در دنیای امروز کشورهای غربی هستند. از زمانی که رئالیست‌ها در بحث‌های ملاحظات استراتژیک، امنیت را در چارچوب علوم نظامی بررسی و آن را با تهدید خارجی تریف کردند و آنارشی بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر و چاره را در خوداتکایی نظامی دانستند و پس از آن لیبرال‌ها در چارچوب مطالعات روابط بین‌الملل، ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر امنیت افزودند و صلح جهانی را بین لیبرال‌دموکراسی‌ها میسر و لازمه امنیت را علاوه بر رفع تهدید، مستلزم آسایش و رضایت‌مندی قلمداد کردند و سپس مکتب که در حوزه مستقل‌تری مطالعات امنیتی را دنبال و تهدید را امری بین‌ذهنی برشمرده و با تأکید بر بعد اجتماعی و سطح منطقه‌ای امنیت؛ رویکرد امنیتی‌سازی را مطرح کردند. در واقع، اینها همگی داستان‌های تطور مسئله امنیت در غرب را روایت نمودند. داستانی که بر تاریخ نیم‌قرن شالیه از جنگ‌های سی‌ساله، تا معاهده وستفالی و آن‌گاه جنگ‌های جهانی اول و دوم و سپس دوران جنگ سرد تا به امروز، منطبق و با روند مسائل امنیتی در سایر کشورها به کلی بیگانه بود.

تلاش آنها برای پوشاندن این لباس بر تن کشورهای جنوب، آن‌قدر بی‌مناسبت بود که خودشان پی برده و با برشمردن تفاوت‌های کشورهای جهان سوم با غرب، مکتب امنیتی جهان سوم را مطرح نمودند. در واقع، مکتب امنیتی جهان سوم، پاسخی به ضرورت بومی‌گرایی علوم انسانی در حوزه مطالعات امنیتی است، ولی جنبه تراژدی آن این است که

باز هم از سوی غربی‌ها عرضه می‌شود و در نتیجه غیربومی است و تجویزی واحد برای کشورهای کاملاً متفاوتی است که وجه مشترک‌شان توسعه‌نیافتگی است.

بومی‌گرایی رهیافتی است که در دهه‌های اخیر در علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است. اعتقاد به زمینه‌وند بودن علوم انسانی باعث تقویت نگرش بومی‌گرایی شده است. بومی‌گرایان بر این نظر تأکید دارند که جغرافیا و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، نقشی آشکار و تردیدناپذیر، در تولید نظام‌های معرفتی و دانش بشری داشته‌اند. آنها به الزامات محلی و محیطی در سیاست‌گذاری علمی و سرمایه‌گذاری برای آن تأکید دارند.

علاوه بر مفهوم «بومی‌سازی علم» یا «علم بومی» به تدریج مفاهیم مشابه دیگری مانند علم عمومی، علم قومی، علم اروپایی و اروپایی‌شدن علوم در ادبیات علمی شکل گرفته است. حتی در هند از واژه علم ساستعماری و در چین از نهضت چینی‌کردن علوم سخن گفته شده است. " (ذاکرسالحي ۱۳۸۱) هرگاه به زمینه‌ای بودن علوم انسانی و مطالعات امنیتی به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی، باور داشته باشیم، نمی‌توانیم مسائل امنیتی امروزمان را منفصل از موقعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی خود تصویر نماییم.

بنابراین می‌توان امید داشت که مطالعه آثار تاریخی و نمودهای جغرافیایی مسئله امنیت، در سطح ملی و منطقه‌ای، به تولد مکاتب امنیتی اختصاصی‌تر و البته کارآمدتر کمک کند. مکتبی که عاری از انگیزه‌های سوء سیاسی نباشد، مکتبی که تجویزهای ناشی از توهم "شرق یعنی غرب توسعه‌نیافته" باشد. چالشی که اندک سدان غربی تلاش کردند با مکتب امنیتی جهان سوم، بدان پاسخ دهند، ولی موفق نشدند. چالش اصلی در پاسخ به این سؤال نهفته بود که با فرض پذیرفتن تعریف آنها از جهان سوم، آیا جهان سوم، جامعه همگنی است؟

وقتی درباره مطالعات بومی امنیت در یک بافت معین، مانند ایران سخن می‌گوییم، عرصه آن را دو بُعد "تاریخ" و "جغرافیا" مشخص می‌کند. بعد تاریخی، از آن‌رو اهمیت دارد که بسیاری از موضوعات امنیتی امروز، ریشه در تاریخ ما دارند. مسائلی که از موقعیت، فرهنگ و تجربه مشترک ما متأثرند. ادعایی که روایی آن را شباهت عجیب این مسائل با مسائل امنیتی قرن‌های گذشته، دست‌کم از دوران صفویه به بعد، به‌ویژه عصر قاجار و پهلوی، به

روشنی تایید می‌کند. به‌عنوان مثال: حاکمیت ایران بر خرمشهر و اروندرود؛ که امیر کبیر در ارزنه‌الروم و در عرصه دیپلماسی، برای آن مبارزه کرد و نزدیک بود جان خود را در این راه فدا کند. دقیقاً همان موضوعی است که صدام حسین، برای آغاز جنگ هشت ساله علیه ایران، دستاویز قرار داد. مسئله امنیت خلیج فارس و تلاش انگلیسی‌ها برای تسلط نظامی بر آن؛ حقوق ایران در دریای خزر؛ طمع روس‌ها به آب‌های گرم در جنوب ایران؛ استفاده ایزدیه‌ها از شیوخ عرب سواحل جنوبی خلیج فارس؛ ترس قدرت‌های بزرگ، از قدرت گسترده ایران در منطقه؛ نفوذ دولت‌های سلطه‌گر، در ارکان حاکمیت کشور؛ حمایت بیگانگان از راجا، اسی ابله، ناتوان و سرسپرده، از حاج میرزا آقاسی گرفته تا هویدا؛ از صحنه خارج کردن نخبان پاک و خدمتگزار، با روش‌های سخت و نرم؛ فساد اداری گسترده در دستگاه حکومت؛ بی‌منابری اجتماعی به‌مثابه بستر شکست‌ها و ناکامی‌های ملی؛ شکل‌نگرفتن "دولت نماینده" ر باور مردم و کارگزاران و...؛ فهرستی از این مسائل امنیتی هستند که ما قرن‌ها با آن دست و پا می‌کردیم که بدون شناخت ریشه‌ای‌شان، خلاصی از آنها غیرممکن است.

علاوه بر اهمیت عمومی مطالعات تاریخی، در شناخت پدیده‌هایی که ریشه در گذشته یک ملت دارد، مطالعات تاریخی در حوزه امنیت، از آن جهت برای ما مهم است که با وجود تجربه تاریخی اشغال‌های مکرر، مانند حمله مغول، سده‌های بزرگ، همچون جنگ با روس‌ها، که منجر به عهدنامه‌های خفت‌بار شد؛ سالیان بی‌بایی، مانند دوران پش از صفویه تا قاجار، جنایات سبعانه، مانند آنچه آغامحمدخان در کرمان و دیگر شهرها مرتکب شد؛ نخبه‌کشی‌های فجیع، مانند: قتل قائم مقام، امیر کبیر و مدرس و تخریب‌های ناگوار بسیاری از این دست، که موجب شده است ملت ما، در طول تاریخ، همواره دل‌مشغولی "امنیت" داشته باشد.

مطالعه تاریخی - امنیتی در کشور ما بسیار کم انجام شده است. مطالعه اندیشه امنیتی معدود نخبگان سیاسی، که "دغدغه ملی" داشته و "صاحب اندیشه" نیز بوده‌اند و نگاه‌شان به مسائل امنیتی نیز کم‌وبیش مشابه بوده، می‌تواند به تولید نظریه و الگوهای امنیتی بومی

کمک کند. نظریه و الگوهایی که شانس بیشتری برای حل مسائل مزمن امنیتی ما خواهند داشت.

امیر کبیر یکی از این نخبگان است. هرچند، مثلث استعمار خارجی، استبداد داخلی و جهل مردم، به او بیش از سه سال و اندی امان نداد؛ اما امیر کبیر، بی‌تردید از جمله بزرگ مردانی است که عرض عمرش بیش از طول آن بوده است. او در این دوران کوتاه، نه تنها وقت خودش را صرف تخطئه گذشتگان نکرد؛ بلکه مواجب شاعری را که حاج میرزا آقاسی، صدر اعظم نالایق، پیشین را هجو و او را مدح کرد، قطع کرد؛ تا دقایق ارزشمند صدارت او به این مهم‌لالت تلف نشود.

امیر کبیر به آنکه به فراست دریافته بود که کشتن صدر اعظم‌های پاک و خدمتگزار، سنت شاهان قاجار است، او نیز سرنوشتی جز قائم‌مقام نخواهد داشت، ولی هرگز همت خود را صرف حفظ مقام و حتی جان نخر. نکرد و در یکی از پرچالش‌ترین دوره‌های امنیتی کشور ما، نقشی بی‌بدیل در حفظ سوبت اسلامی و ایرانی، یکپارچگی ملی، استقلال و تمامیت ارضی ایفا کرد. کار بزرگی که نمی‌تواند بدون پشتوانه نظری قوی امنیتی انجام شده باشد.

این کتاب تلاشی اکتشافی، در چارچوب ادبیات رایج مطالعات امنیتی، در گفتار و کردار این نابغه ایرانی برای شناخت اندیشه امنیتی اوست. تلاشی که تکرار آن درباره سایر نخبگان معیار، امید به شکل‌گیری تدریجی مکتب امنیتی بهی، را افزایش می‌دهد. اتفاقی که با ترجمه مستقیم و غیرمستقیم منابع غربی و حتی پژوهش‌های داخلی مبتنی بر چارچوب‌های نظری غیروبومی روی نداده و نخواهد داد.

سازماندهی کتاب بدین‌صورت است که در فصل اول مروری بر دروس امنیت خواهیم داشت و مفاهیم کلیدی، ویژگی‌ها، ارکان، ابعاد، سطوح و رهیافت‌های امنیتی را مرور خواهیم کرد. هدف از این فصل این است که اگر خواننده با مباحث نظری حوزه مطالعات امنیتی که چارچوب نظری سایر فصول کتاب است، آشنایی ندارد؛ این شناخت را در ابتدا پیدا کند.

در فصل دوم، بر اساس این باور که امنیت مقوله‌ای زمینه‌بند است و نمی‌توان آن را جدا از موقعیت زمانی و مکانی‌اش مطالعه کرد؛ اوضاع امنیتی ایران در دوره منتهی به شروع

صدارت امیر کبیر بررسی شده است، تا بدانیم امیر کبیر در چه شرایط امنیتی، سکandar این کشتی طوفان زده شده است.

در فصل سوم که در واقع اصلی ترین فصل کتاب است اندیشه امنیتی امیر کبیر، بر اساس تصمیمات، برنامه ها، نامه ها، گفته ها و اقدامات امیر کبیر، در چارچوب متعارف مطالعات امنیتی، یعنی: مفهوم امنیت، مرجع امنیت، غایت امنیت، تهدیدات و آسیب پذیری های امنیت، روش ها و ابزارهای تولید امنیت و متولیان امنیت؛ مورد کنکاش قرار گرفته است. فصل چهارم با تعظیم در برابر بزرگ مرد تاریخ ایران، به خطاهای امیر کبیر در حوزه امنیت پرداخته است.

امیر کبیر برخلاف عیب روزگارش، علاقه ای به القاب مطول نداشت. القابی که گاه آن قدر طولانی می شد که اصل سخن را تحت الشعاع قرار می داد. از این رو تلاش کرد تا این رویه را منسوخ کند. به همین خاطر در اصول این کتاب برای او از القاب: صدر اعظم، اتابک اعظم، امیرنظام و امیر کبیر؛ کمتر استفاده شده است و میرزا تقی خان با عنوانی که مردم کوچه و بازار، او را صمیمانه خطاب می کردند، یعنی "آه" نامیده شده است.